

و سیپی

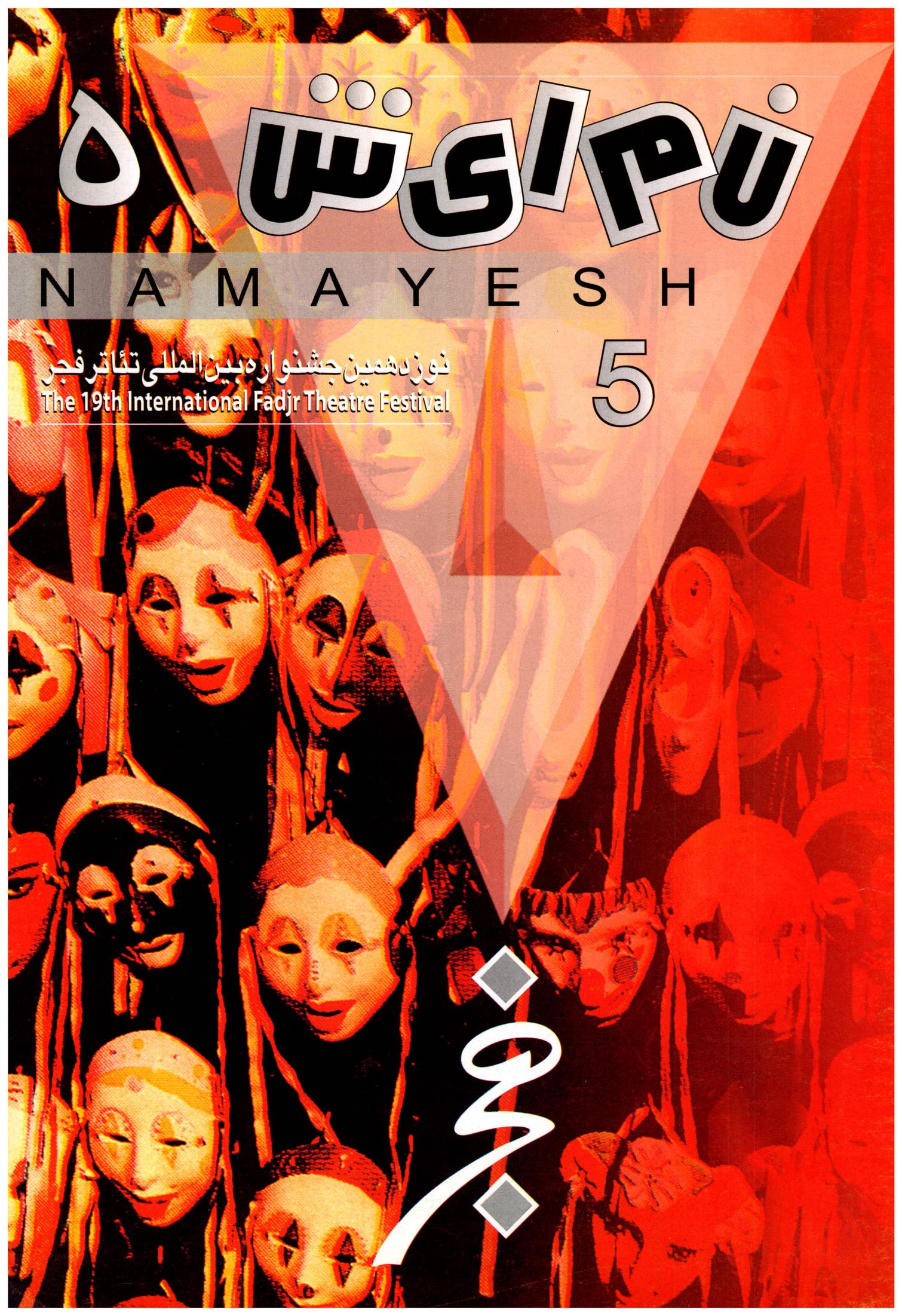
NAMAYESH

نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

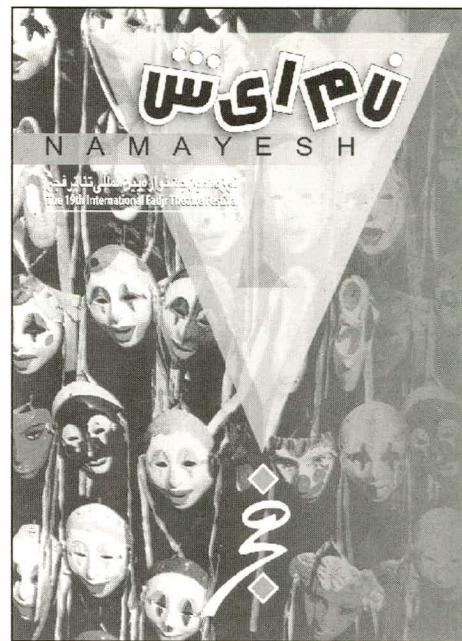
The 19th International Fajr Theatre Festival

5

و



نمایش



نمایش

NAMAYESH

ویژه نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر ۱۳۷۹ بهمن ماه ۲ تا ۱۴

سربیبر	< لاله تقیان
طراح و مدیر فنی	< انوشیروان میرزائی کوچکسرانی
مترجمین	< اختر اعتمادی - آوا سرجویی
عکاس	< فناوه دادخواه
کامپیوتراگرافیک	< کیانوش رمضانی
حروف نگار	< فرزانه سرمدی
صفحه بندي کامپیوترا	< پرویز میرزا حسینی
لیتوگرافی رنگی	< جهاد دانشگاهی (واحدهنر)
چاپ جلد	< چاپ نخستین
چاپ متن	< انتشارات نمایش
همکاران	< جواد تولمی - محمد علی میرزابی - علیرضا طفعلی - هانی کیوان ثانی شواره محمد خباز - فریما روحی تزاد - ناهید کشاورز - افسین منقولی فرهاد سرافراز - مریم محمدی - مهرانه آتشی

مقالات منتشره الزاما نظرات مرکز هنرهای نمایشی و ذاکر فرهنگ و ادب اسلامی نیست . نقل مطالب و عکس ها با ذکر مأخذ آزاد است . نمایش در چاپ و پرداخت مقالات و مطالب واردۀ مختار است . مقالات رسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد .

نشانی : تهران . خیابان حافظ . خیابان استاد شهریار (ارفع) . تلازروحدت . کد پستی ۱۱۳۳۴ . انتشارات نمایش
تلفن : ۰۵۱-۰۶۷۰-۸۶۱ . پست تصویری : ۰۶۷۰-۳۴۸۵ . پست الکترونیک : dac @ neda.net
آدرس سایت اینترنت : <http://www.irannamayesh.com>

نمایش
انتشارات نمایش

Dramatic
Arts
Center

نوزدهمین
19th
INTERNATIONAL
FADRI THEATRE FESTIVAL
جشنواره بین المللی تئاتر فجر
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001
تهران - ۱۴ بهمن ۱۳۷۹

◀ چرا تعزیه خوانان خانه‌ای ندارند

تعزیه، نمایش سنتی و مذهبی ایران به دو دلیل در برنامه‌های نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تجدید شده است. نخست به این دلیل که امسال مصادف است با سال امام علی (ع) که برای بزرگداشت آن حضرت هفت مجلس تعزیه مرتبط با موضوع یاد شده برای اجرا انتخاب شد و دوم به این دلیل که این هنر والا و قادر تمند را به عنوان پدیده‌ای ایرانی و اسلامی در جشنواره‌های بین‌المللی که در کشورمان برگزار می‌شود نمی‌توان نادیده گرفت. تعزیه خوانان در این جشنواره از شهرهای تهران، قزوین، شیروان و اراک مجالس گوناگونی را می‌خوانند که عبارتست از: مجلس تعزیه شیروان، مجلس تعزیه جنگ خندق، مجلس تعزیه جنگ خیبر، مجلس تعزیه جنگ صفين، مجلس تعزیه هشام علقمه و مجلس تعزیه رزم تبوک. همانطور که اشاره شد به ویژه در چنین موقعیت‌هایی به اجرا آوردن تعزیه بهتر از هر چیز می‌تواند فرهنگ اصیل و غنی مردم ما را به جهانیان عرضه کند. در مقابل تئاتر شهر، به ویژه در این روزها که نعمت حق بی وقفه بر سر مردم می‌بارد، بخش عظیمی از ازدحام مردم برای همراهی با گروه‌هایی است که به تعزیه خوانی می‌پردازند و برای مردم حوادث و ماجراهای آن حضرت را روایت می‌کنند. شاید این منظره که تعزیه خوانان با لباس‌های شکیل و حرکات خاص و موسیقی ویژه‌شان در زیر برف و باران به اجرای برنامه می‌پردازند بار دیگر این نکته را به ذهن می‌آورد که چرا هنوز در تهران بزرگ مکانی خاص برای اجرای این هنر ارزشمند نداریم، در حالیکه بعضی تکیای قدمی هنوز وجود دارند و می‌توان آنها را بازسازی کرد و در غیر این صورت می‌توان تکیه‌ای ساخت که ساخت تکیه زمان خاص ندارد، چنانکه خواندن تعزیه. اما این را نیز بگوییم که در این مورد بنا بر سنت هر کس می‌تواند بانی باشد و به ساخت تکیه کمک کند، پس این توقع تها از یک مرجع یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست، بلکه در این زمینه بسیاری از نهادها و سازمان‌ها می‌توانند قدمی جلو بگذارند و به این امر ضروری اقدام کنند. ما امیدواریم که در جشنواره‌های بعدی تعزیه خوانان نیز چون دیگر هستمندان خانه خود را داشته باشند.

در این شماره می‌خوانیم

- | | |
|----|---------------------------------|
| ۳ | چرا تعزیه خوانان خانه‌ای ندارند |
| ۴ | خبر جشنواره |
| ۶ | معرفی داوران جشنواره |
| ۷ | کلاف زندگی |
| ۹ | یک توقع افسانه‌ای |
| ۱۰ | گزارش مصور |
| ۱۲ | نمایشی از جنگ بوسنی |
| ۱۳ | معرفی گروه‌های خیابانی |
| ۱۴ | نظر تماشاگران |
| ۱۶ | بخش انگلیسی |
| ۱۸ | برنامه‌های امروز و فردا |

قبل با اجرای نمایش سفید برفی در دو کشور ایران و آلمان و ممچنین نحوه ارتباط مخاطبان با آن متوجه شدم که کودکان یک زبان جهانی دارند و هنگامی که ما بزرگ می‌شویم سعی می‌کنیم دوباره آن را کشف کنیم.

روبرتو چولی نیز در مورد نتایج حاصله از نمایش‌هایی که تاکنون در ایران اجرا کرده است گفت: آین مهم به کسانی بستگی دارد که در ایران تئاتر را اداره می‌کنند، بین‌المللی شدن جشنواره فجر با حضور کشورهای مختلف را من از سه سال قبل هم در ایران دیدهام، که از نظر زیبائی‌شناسی می‌بینیم که یک‌تکامل و تحول در تئاتر ایران رخ داده است که موقوفیت نمایش‌هایی که ما به آلمان دعوت کردیم دال بر این حرکت مثبت است.

هلموت شفر در امatorز گروه تئاتر روهر در مورد تئاتر ملی گفت: به نظر من این چیزی است که بعد از بوجود آمدنش این نام را روی آن گذاشتند و حتی لغت ملیت‌ها هم بعدها بوجود آمد که بیشتر در واقع سوال برانگیز است.

روبرتو چولی در مورد شیوه اجرایی و مدرن در نمایش آنتیگونه گفت: «تئاتر تنها وقتی می‌تواند زنده باشد که ما آن را به زمان خودمنان عطف دهیم و به نظر من بازسازی آنچه که در زمان سوفوکل وجود داشت یک چیز غیرممکن است و شاید تنها برای علمای رشته تئاتر جالب باشد. در سال ۱۹۶۸ آنتیگون راطوری تفسیر می‌کردند که جنبه‌های سیاسی پیدا می‌کرد و آن زنی بود که حکومت را داشم به نقدی کشید. اما به نظر من آنتیگون یک زن طبیعی است که بهیج وجه با آگاهی‌های سیاسی عمل نمی‌کند. در دون آنتیگون یک باری از گذشته سنگینی می‌کند و در دون او یک احساس غلیان وجود دارد که در واقع آگاه به این تغییرات درونی است، او نمی‌تواند هرگز مجسم کند که نظام به این سیستم واکنش نشان دهد. او همه چیز را مثل یک بازی می‌بیند و بر این عقیده است که داستان زندگی او پایان خوشی را خواهد داشت.

گزارش مصاحبه مطبوعاتی گروه روهر آلمان

در پنجمین روز از جشنواره نوزدهم روبرتو چولی و اعضای گروه تئاتر روهر از کشور آلمان در نشست مطبوعاتی با خبرنگاران در محل کافه تریاپ تئاتر شهر حضور یافتند.

روبرتو چولی در ابتدا ضمن معرفی نمایش شازده کوچولو گفت: «رمان مشهور شازده کوچولو برای همه آشنا است و نیازی نیست که در مورد محتوی آن توضیح دهم در شازده کوچولوی که ما به روی صحنه بردۀ این شما برخورد یک کودک با یک فرد بزرگ را می‌بینید که ایده اصلی این اجرا از خانم ماریا نویمن است. ماریا نویمن را شما از جشنواره پیشین می‌شناسید و همانطور که می‌دانید ایشان علاقه زیادی به تئاتر کودکان دارد. تلاش‌ما در این اجرا این بود که تمامی مخاطبان خود را از سن عسالگی تا مسن ترین آدمها را راضی نگه داریم».

ماریا نویمن یکی از اعضاء گروه تئاتر روهر در این زمینه گفت: «در فرهنگ کشور آلمان خیلی سخت است که بتوانید با کودکان در مورد مرگ صحبت کنید بتهه این موضوعی است که همه سینین را در بر می‌گیرد چه کودک و چه بزرگسال و عموماً خیلی آسان است که در مورد این موضوع روی صحنه بازی کنیم تا در مورد آن حرف بزنیم».

وی در مورد برخورد این دو نسل در نمایش افزود: «در برخورد این دو نسل متفاوت دیدگاه‌های زمانهای مقاومت هم مطرح می‌شود و ضمن اینکه متفاوتند خیلی هم به یکدیگر شیاهت دارند. این زمینه‌ها یعنی اینکه یک فرد کهنسال کودکی اش را به یادآورد. او یک کودک ایندهاش را در تخیل مرور می‌کندیکی از مفهوم‌های نمایش است. یک کودک در تخیل خود آزادی‌های زیادی دارد که بزرگسالان نیز می‌توانند از آن سهمی داشته باشند، او برای شکستن مرزها مشکل ندارد فقط کافی است که یک کلاه کاغذی بر سر بگذارد و پادشاه شود، ریشی بچسباند و پیرمرد شود...»

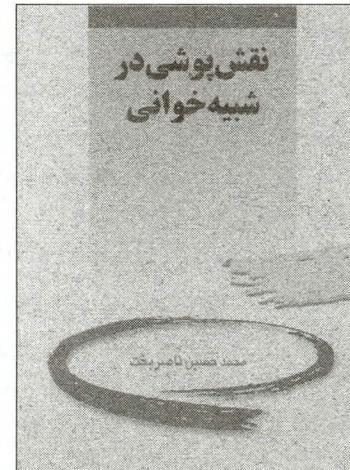
ماریا نویمن در مورد نتایج حاصله از اجرای «سفید برفی» ادامه داد: «من سال

اخبار جشنواره

کتاب‌های جدید انتشارات نمایش انتشارات نمایش در نوزدهمین جشنواره تئاتر فجر در تهران به صحته می‌آورند به چاپ رسانده است. متن کامل دونمایش آنتیگونه اثر سوفوکل و شازده کوچولو بر اساس اثر انتوان دو سنت اگزوپیری را محسن جده‌دستان و حسین سرکار حسن خان ترجمه کرده‌اند و دونمایش‌نامه در یک مجلد در اختیار



علاوه‌های اندان تئاتر است. دومین کتابی که انتشارات نمایش به مناسب این جشنواره انتشار داده است نقش‌پوشی درشیبه‌خوانی



نام دارد که نوشه محمدحسین ناصریخت است. این کتاب پژوهشی در چهار فصل عمده، همراه با تصاویری در مورد مضمون کتاب است. این کتاب در کتاب فروشی‌های انتشارات نمایش در دسترس تماشاگران قرار دارد.

کارگردانی همزمان چند هنر

شگردها در یک صحنه و مرتبط به یکدیگر زمان‌ها و مکان‌ها و سنین مختلف دارد. از هر روزنے که وارد آن خاطره شویم خود تصاویر ویدئویی و تلویزیونی به خدمت دوبله در نوعی غیرمعمول به خدمت کلام می‌آیند و چند ساز موجود در صحنه همه این چیزها را همراهی می‌کند. حال آنکه ترکیب این سه هنر نیاز به هنرمندی چند کاره و ماهر دارد. هنرمندی آشنا به تصاویر سینمایی، ویدئویی و تلویزیونی. هنرمندی آشنا به موسیقی، هنرمندی آشنا به تئاتر. انجام کارگردانی تلویزیونی به طور همزمان در اجرا، بازیگرانی که بایستی در صحنه تصویربرداری کنند، بازی کنند، دیالوگ بگویند، حرکات بدنسی انجام دهند و همه در مرور حافظه و ذهن برای رسیدن به نقطه اشتراک در خاطره این نمایش یک کار خلاقالانه هنریست، چرا که هنرمند برای ارائه حس و فضای مورد نظر نه محتوای خاص، از هر آنچه نیازمندش است کمک می‌گیرد. و اگر لازم‌دارد تا در تابلوی صحنه به عمق نگاه خاطرمساز نزی برسود، تصاویر درشت چهره‌ها را به کمک می‌گیرد. موسیقی را با جنسیت ورود به خاطره و جنسیت موسیقی این

خاطره همراه می‌کند. کلام ادبی نزدیک به رمان را با حفظ زاویه دید در خدمت می‌گیرد و حتی اگر زبان را به معنای واژگان و دریافت کلمات‌تفهمیم دقت وجودی لازم دارد تا به کشف فضا برسیم. اگر خوب همه چیز را بینیم و حس موجود در فضا را درک کنیم، حتی امکان این وجود دارد که خود، کلام‌ادبی و روایت و خاطرات شخصی‌مان را با فضا همراه کنیم. شاید بتوان گفت تمام آدمها در جهایی به اشتراک خاطره‌ای اعجاب‌انگیز می‌رسند. هر لحظه از حیات ما و هر حرکت حتی کوچک‌مان خاطرات می‌سازند، که در گذر زمان درشت فراموش می‌شوند و با مرور آن حرکت کوچک حجم خاطرات در ذهن و حافظه‌مان تصویر و کلام و موسیقی می‌سازند و میل به تکرار و مرور خاطرات، مرگ را کمی کمرنگ می‌کند، حتی اگر لحظه کوتاهی بیشتر به مرگ نماند باشد. نمی‌دانم باید به این اجرای صحنه‌ای، عنوان اپرا، سینما، موسیقی، تئاتر و... داد یا نه؟! ولی واضح است که اگر مخاطب ظرفیت برخورد با یک خلاقیت که در جزء قدرتش اثبات شده و حال در ترکیب ارائه می‌شود را دارد این کار یک اثر به معنای صادق کلمه «هنری» است. هنری ترکیبی بدون کم و کسر وجذاب و دیدنی و حس کردنی /

اصغر دشتی

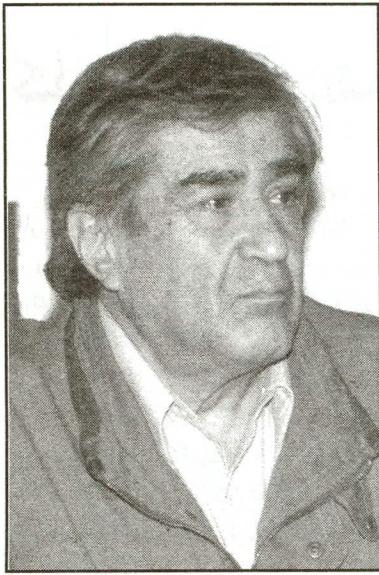
گروه اجرا از طریق تعامل مداوم و پویا با تماشاگر، میان او و هم نمایش رابطه‌ای طریف برقرار می‌کند. تعاملی که البته از هر گونه تحمیل - که در مواردی از این دست به وفور رخ می‌نماید - عاری است. چرا که اساس این تعامل بر هماهنگی، انعطاف و حاضر جوابی بازیگران، شکیل می‌گیرد. همچنین توانایی بازیگران در کار با «شیء» - عروسک‌هایی که به گونه‌ای مداوم و با ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین شیء و روش ممکن، جنبه نمایشی می‌یابند از ویژگی‌های برجسته اجرای اورکت به شمار می‌رود. و این خود جلوه‌ای است. از هنر عروسکی ریشه دار و سنت پویای اتیمیشن در شرق اروپا و آنیمیشن جهان که سر چشم‌های پایان‌نایبزیر محسوب می‌شود. عبدالحسین مرتضوی

زیر شنل گوگول

نمایش اورکت بر اساس داستان شنل گوگول، کاری از کشور بلغارستان در سالن چهارسوسی تئاتر شهر به صحنه رفت و به شدت مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

اجرایی ساده و تاثریکال از داستان ترازیک شنل، که سرشار از روح مالیخولیائی و در عین حال فقر زده روسی است: دو بازیگر دلک پوش و چند شیء ساده که در روند و مسیر اجرا با جادوی بازی و کار بازیگران، هر آن جلوه‌ای تازه می‌یابند و فضایی ملموس و در عین حال وهم‌انگیز می‌آفینند. وهمی که سازنده مالیخولیایی رعب‌آور، مضحك و دردناک شنل گوگول است.

معرفی اعضای هیئت داوران



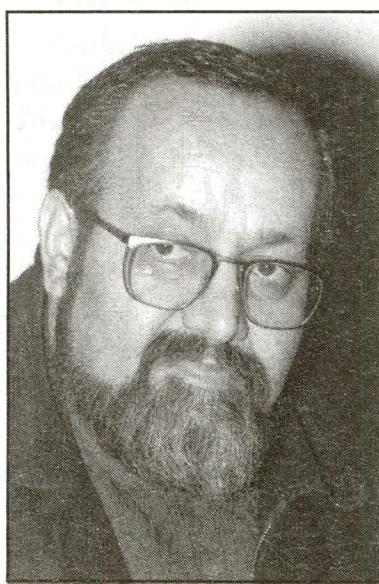
حمید سمندریان: متولد ۱۳۱۰ تهران. فارغ التحصیل کنسرواتوار عالی موزیک و هنرهای دراماتیک هامبورگ در تخصص کارگردانی، بازیگری، کارگردان، مترجم و استاد دانشگاه. کارگردان نمایش‌های: ازدواج آقای می‌سی‌پی، بازی استرینبرگ، دایره گچی قفقازی، ملاقات بانوی سالخورده، مرگ دریابی و...

سعید کشن فلاخ: متولد ۱۳۳۵، فوق لیسانس بازیگری، هیئت علمی دانشگاه مدرس دانشکده سینما، تئاتر،
حضور شورای سیاستگذاری تئاتر کودکان (کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان) کارگردان نمایش‌های: واتسلاو، مرگ آوا



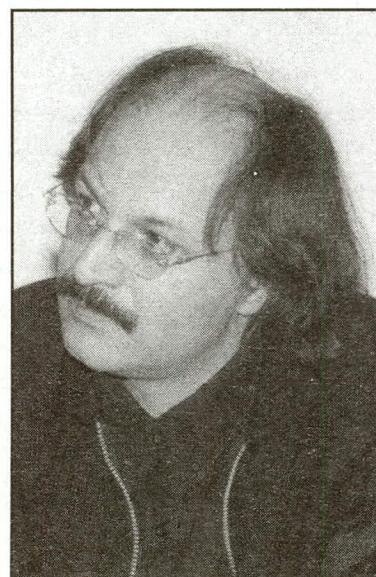
اکبر وادی: متولد ۱۳۱۸ رشت و فوق لیسانس علوم اجتماعی، نمایشنامه نویس و استاد دانشگاه.
نمایشنامه‌ها: روزنه آبی، صیادان، لعنه بشکوه آقای گیل، منجی در صبح نمناک، شب روی سنگفرش خیس، آهسته با گل سرخ، درمه بخوار، آمیز قلمدون، باغ شب نما و...

امین تارخ: متولد ۱۳۳۲ شیراز. تحصیلات در شیراز، دانشگاه تهران (هنرهای زیبا). فوق لیسانس مدیریت امور فرهنگی کار حرفه‌ای را از سال ۴۹ در شیراز و بازیگری را در سال ۵۱ در تهران آغاز کرده است. از جمله نمایش‌هایی که بازی کرده است: اتللو، لورنزا پیو، الکترا، زن نیک



سچوان، مرگ یزدگرد، تنبور نواز، شاعر. بازی در فیلم‌های مرگز یزدگرد، چمدان، پائیزان، جستجوگر، مادر، دلشدگان، سارا و ایفای نقش در سریال‌های تلویزیونی سربداران، ابوعلی سینا و... و درحال حاضر در کارگاه آزاد بازیگری تدریس می‌کند.

رویا تیموریان: متولد ۱۳۳۸ تهران، لیسانس بازیگری و کارگردانی از دانشگاه هنرهای زیبا بازیگر و مدرس دانشگاه. نمایش‌ها: عروسی خون (دکتر علی رفیعی)، او دیپ شهریار (رکن الدین خسروی)، شمس (امیر دزآکام)، هرا (نصرالله قادری) و...



▷ یک توقع افسانه‌ای...

کفتکو با محمد یعقوبی نویسنده و کارگردان نمایش یک دقیقه سکوت فاطمه هاشمی

کسانی بوده اند که با داشتن یک سیستم سعی دارند این سیستم خاص خود را ارتقا بدهند. فکر نمی‌کنید استفاده از همان شکل کار تکرار را به وجود بیاورد.

یعقوبی: وقتی که سوژه تکراری باشد ممکن است. ایسن یک نمایشنامه نویس رثایست است و ایسن ساختار را در تمام کارهایش دنبال می‌کند. در حالیکه چند کاری که به صحنه برده ام سیستم خاصی نیست. یک چیز بدیپهی است که من از آن بهره برده ام چیزی که بود و من کشفش کردم. وضعیت نوری صحنه های کوتاه و... این که نور و صحنه های کوتاه قدر از اطاله کلام پرهیز می‌کند چیز عجیبی نیست. خیلی ها کارگردند اما فرصت و یا شاید شهامت نداشتند که این تجربه را انجام دهند.

تفاوت دید کارگردان و طراحی صحنه و... را متوجه شوند که البته مطمئناً "آموزنده هم خواهد بود. و امیدواریم سال بعد جدی تر گرفته شود.

در یک دقیقه سکوت تا چه اندازه از همان تکنیک هایی که در کارهای قبلی استفاده می‌کردید بهره بوده اید؟

یعقوبی: یک تفکر اشتباه در تئاتر کشور وجود دارد. یک توقع افسانه‌ای از یک نویسنده یا کارگردان که کارش را دوست دارند. و آن هم این که هر بار سیستم را عوض کند در حالی که اگر یک نویسنده یا کارگردان آن جوری کار کند که دیگران می‌خواهند و نه آن طور که خودش دوست دارد فرصتی برای به ظهور رسیدن فردیتش پیدا نمی‌کند. معمولاً نویسنده‌گان و کارگردانان مورد علاقه من

لطفاً" کمی در مورد نمایش خودتان و مضمون آن که آیا جنبه سیاسی دارد یا خیر توضیح دهید؟

یعقوبی: داستان مربوط به وضعیت جامعه

و حوادث سال های اخیر است. در جامعه ما هر کاری تعبیر سیاسی پیدا می‌کند. بستگی دارد از چه منظری نگاه شود. البته بنده به شخصه از کارهای سیاسی بدم می‌آید. من اگر بخواهم کار سیاسی بکنم مقاله می‌نویسم.

چه نظری در مورد گروه های شرکت کننده در بخش مسابقه و خارج از مسابقه دارید.

یعقوبی: در بخش مسابقه خیلی ها را نمی‌شناسم. کسانی هستند که سال های پیش هم حضور داشتند. منتهی یکی دو نام است که اولین تجربه کارگردانی شان است و خوشحال از حضورشان در بخش خارج از مسابقه هم احساس می‌کنم یک رویکرد در تئاتر رخ داده و آن اقتباس از رمان است که تا به حال نبوده. سنتی که در کشورهای دیگر وجود داشته و ما الان به آن رسیده ایم، مثل سوووشون و شازده احتجاج که البته امیدواریم که این روند ادامه داشته باشد.

حضور گروه های خارجی را در جشنواره امسال چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یعقوبی: فکر می‌کنم این انتخاب ها از سوی نمایندگان رئیس مرکز جهت جشنواره صورت می‌گیرد و خوشبختانه تعداد زیادی از گروه های خارجی حضور دارند. به هر حال یکی از کارهایی که همیشه پیشنهاد داده ام و هنوز هم مصمم دعوت از کشور ها و گروه های خارجی برای اجرای یک متن واحد است. که خوشبختانه امسال دو اجرا از آنیگونه و حضورشان در جشنواره اتفاق قشنگی است که اگر منسجم و اگاهانه صورت بگیرد می‌تواند بر کل جریان تئاتر کشور تأثیر بگذارد. چون به این



کلاف زندگی

معرفی گروه مصر

گروه الورشه (۱۹۸۷-۱۹۹۹)

گروه الورشه فعالیت تئاتری اش را از سال ۱۹۸۷ باجرای دو نمایش

The ward wishes to become a guardian
از پتر هاتکه و «بیداری»
از داریوفو و فرانسارم آغاز کرد. این نمایشنامه‌ها دوباره در اوائل سال ۱۹۸۸ و بعد در اولین جشنواره جهانی تئاتر تجربی قاهره در همان سال اجرا شد. گروه الورشه دو نمایش هم از هارولد پیتر اجرا کرده‌اند: فاسق و مستخدم ماشینی و سپس اقتباسی از نمایشنامه فرانتس کافکا به نام گروه محکومین که در سال ۱۹۸۹ در دویین جشنواره جهانی تئاتر تجربی قاهره به نمایش گذاشتند.

نمایش «بیداری» برای ما کشف ریشه‌های نمایش‌های عامیانه بود و نیز تئاتری بدون شمار محسوب می‌شد. در حالیکه در اجرای نمایشنامه

The ward wishes to become a guardian
ما تلاش کردیم تا با یک نمایش صامت، تفاوت میان پامارسانی از طریق حرکت، ریتم و صحنه‌آرایی را با پامی که از طریق کلمات به تماشاگر رسانده می‌شود، نشان دهیم زیرا متن به اندازه فضایی که برای سایر عناصر نمایش باقی می‌گذارد، مهم است.

در اجرای نمایشنامه هارولد پیتر به زبان عربی (مصری)، مایجا زبانی را رعایت کردیم تا بتواند کشش دراماتیک را با کم‌گویی بوجود آوریم و عمق و خشونت احساساتی را که شخصیت‌ها در پس نقاب رفتارهای روزمره پنهان کرده‌اند، بیشتر نشان دهیم. بعد نوبت به نمایشنامه گروه محکومین رسید. این داستان اخلاق‌گرا و غنی با واقعیت زندگی ما ارتباط داشت چرا که نهادهای اجتماعی ما نیز ترجیح‌می‌دهند که در رکود بمیرند تا معضلات مربوط به رشد و توسعه را تحمل کنند.

وقتی در سال ۱۹۸۹، نمایشنامه

اثر آلفرد ڈاری راقتباس کردیم و با نام *David Maydour* اجرا کردیم، بیش از نمایشنامه‌های سابق، خود را در این اقتباس رها کردیم و شیوه آدم‌هایی شده بودیم که معبد خود را در سرزمین مقدس دیگران بنا کردند. این اقتباس حالا دیگر، بیشتر از فرهنگ عامیانه بومی و ام گرفته بود، چرا که ارتباط ملموس‌تری باتماشاگر برقرار می‌کرد در عین حال که روح طغیان گر آلفرد ڈاری را هم در خود داشت. در عین حال این اولین همکاری ما با بازیگران سنتی نمایش‌های سایه بود. این نمایشنامه هم عناصر تئاتر زیبایی‌شناسی خاص تئاتر سایه را. نمایشنامه *Dayeren Dayer* ظرف مدت دو سال تغییر و تحولات بسیاری یافت و به ما نشان داد که منطق خطی، چه متعارف و چه پوچ‌گرایانه باعث محدودیت فضای تخیلی که قرار است شق دیگری از ادراک جهان را در ساختار نمایشنامه‌ها متبلور کنند، می‌شود. به همین دلیل گزیده‌ای از نمایشنامه قصیر اللیل (گستره‌ی شب) که برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ اجرا شده بود، بعد از دوران طولانی تمرین قصه‌گویی از منظرهای گوناگون و متعدد و ارتباط متقابل با تماشاگر، نمایش داده شد.

غزل‌العمار یا کلاف زندگی

مجسم کنید که زندگی مثل یک کلاف نخ است؛ ممکن است در هم پیچیده شود، خطر ناگهان رها شدن هم هست و اگر ناگهان این کلاف‌هارها شود، بهترین حالت این است که روی خط مستقیم برود. در این صورت است که هر چه سریعت به انتهای کلاف می‌رسیم. اما تخیل خلاق، این کلاف را به شکل دایره‌هایی مجسم می‌کند که سودای بازگشت به سرآغاز را دارند. آیا تولد اتفاق است و یا آغاز؟ زندگی مجموعه‌ای از اتفاق ا است و یا توالی

اتفاقات؟ مرگ پایان است یا دریچه‌ای به جهان دیگر؟ آنانی که به دنبال نشانه‌ها هستند، هزاران نشانه می‌یابند. اما چه کسی شهامت آن را دارد تا آنچه را که به دست آورده، باور داشته باشد؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که قصه‌گویان کهن سال سیرا و نیز دراماتیست‌های معاصر سیرا با آن مواجه هستند. غزل‌العمار این پرسش را در برابر تماشاگران می‌گذارد.

ابوزید زندگی‌اش را پیش از تولد آغاز کرد. مادرش «خردا» همراه زنان «هلالیه» به دریاچه پرنده‌گان رفت. طبق اعتقادی قدیمی، فرزند هر کدام از زنان شیوه آن پرندۀ می‌شد که بیش از همه می‌پسندید. نوبت که به «خردا» رسید، پرندۀ سیاهی را که هنگام فرود برای آب خوردن، از پرندگان دیگر ترسیده و رمیده بود، پسندید.

ابوزید، سیاه چون پرندۀ سیاه زاده شد و تردیدی را میان قبیله برانگیخت و مادر مورد سوء‌ظن قرار گرفت، سوء‌ظنی که سبب شد عاقبت پدرش ریزک را به خشم آورد. خدرا متهم شد که با برده‌ای به ریزک خیانت کرده است. خدرا ناگذیر سرزمنیش را ترک کرده و در کشوری دیگر اقامت گزید، «سرزمین آه»

از رفتن خدرا و فرزندش مدتی نگذشته بود که ریزک، پیترین جنگاور هلال همراه دخترش «شیهای» به صحراء رفت. او که از پشیمانی رنج می‌برد خود را به اندوه و خاطره واگذاشت.

در سرزمین آه، پادشاه زهالینز، ابوزید را پذیرفت. وقتی پسر بیچه سیاه، چهارده ساله شده، در میان لشکریان پادشاه، ازدواجی و شجاعت‌می‌درخشید. به این ترتیب بود که زهالینز درخواست کرد که یکه و تنها با قبیله‌ای که بر آنان بیوش آورده بود، بجنگد. این قبیله همان قبیله هلال بود. به جز خدرا و ندیمه‌اش «سیده» کسی نمی‌دانست که ابوزید می‌رود تا با قبیله پدرش بجنگد. شاید خدرا دوست داشت که انتقامش گرفته شود، بیینند که پسرش قبیله هلال را شکست می‌دهد و حتی سرزمین آشان را تصرف می‌کند.

اهالی هلال که ناچار شده بودند شرایط تحقیر‌آمیز ابوزید را بپذیرند، به دنبال ریزک

مهاجرت بزرگی بود که در سال ۴۴۰ هجری اتفاق افتاد و سبب قبل عام شعیان به دست سنی‌ها بود. واکنش خلیفه فاطمی مصر این بود که قبایل چادرنشین را مجبور به مهاجرت به افریقا کرد. در نتیجه او بایک تیر دو نشان زد: یکی اینکه خود را از افراطی گرایی قبایل چادرنشین نجات داد و با تبیه الموزی بن بادیس، نایب‌السلطنه افریکیا در آن‌زمان، باعث شد که گروهی طغیان‌گر بار دیگر زیر چتر فاطمی گردآیند اما نفرت باقی‌ماند، که مدام یادآور کشتار افراد خاندان پیامبر بود. توهدهای عظیمی از چوپانان چادرنشین همراه بازنان و

که اعتبار آن حمامه همسان است با اعتبار کتاب مقدس. وقتی نوبت به ایلیاد دنیای عرب می‌رسد می‌توانیم بدون هیچ اغراقی بگوییم که حمامه هلال، ایلیادی است که بایستی دوباره کشف شود. دهقانانی که در شرق عربستان و غرب عربستان زندگی می‌کردند، حمامه هلال را از حفظ داشتند. برای آن‌ها حفظ این حمامه، همچون سرزمنی است که از پدران به آنان رسیده است و یا همچون نام‌خانوادگی است که بایستی حفظشود.

فرستادند. شرط پایان جنگ این بود که آنها پذیرنند که در تاریکی مطلق زندگی کنند. ریزک که به قبیله بازگشته بود، به مردمش دستور داد تا بارها و بارها نور را به قبیله بیاورند.

جنگ میان پدر و پسر تقدیر بود. مدت دو هفته با هم جنگیدند. هیچکدام اما نتوانستند ضربه نهایی را وارد کنند. خدرا و سیده ناگزیر بودند جنگ میان پدر و پسر را بینند. و همچون سیده که به دنبال بانویش به تبعید رفته بود، شوهر سیده «نجاه» همراه ارباب به صحراء رفتند.

آیا پرنده سیاه بودن، دشمن است و سزاوار تبعید و بی‌احترامی؟ آیا این نشانه خوبی است که ابوزید در شکل و شمایل اشراف باشد تا پدر معصومیت خود را باور کند؟ یا اینکه این داستان فراتر از نفرین یا تقدس، راز و رمز حیاتی زندگی ابوزید و پیش‌بینی پایان یک آغازی است که‌هدایره نشانه‌ها را به پایان می‌رساند؟ بعد از صدها هزار شعر درباره زندگی ابوزید، چنان شده است که پرنده سیاه مرگ، در آب پوست فرو رفته‌تو تا آخرین قطره آن را خشک کرده است تا ابوزید تشنه و بی‌رمق و تنها در بیابان هلاک شود.

سپتامبر ۱۹۹۸

هدا عیسی

حمامه هلالیه

انتخاب و نمایش: عبدالرحمن البدنوی
تصور شعرهای مردمی از یک طرف و مصر علیا از طرف دیگر مقوله‌ای است که تجسم آنها جدا از یکدیگر برایم غیر ممکن است. اتحاد و یگانگی این دو، عمق و کامل است. و زمان آن به مصر باستان می‌رسد که قرن‌ها باقی‌مانده است و قرن‌های بعد نیز باقی خواهد ماند.

در ذهن دهقانان مصر علیا، شعر حمامی همانقدر معتبر و عزیز است که نوریا و مسجد. برای او به یاد داشتن شعرهای حمامی همانقدر مهم است که برای مومنان به یاد داشتن آیه‌های قرآنی.

علیرغم این واقعیت که حمامه هلالیه مکتوب نشده است اما دهقانان اعتقاد دارند

فرزندانشان، در جزر و مدیهای متوالی راهی افریقا می‌شوند.
حمامه هلال به هیچ وجه مستند به حوادث تاریخی نیست. به همین دلیل ساختار این حمامه، شامل متولی حوادثی است که فقط در آغازو پایان رخداده است. این حمامه در پنج کتاب نوشته شده است:
۱- داستان غم‌انگیز تولد ابوزید ال هلالی، قهرمان حمامه
۲- گردش پیشگامان
۳- مهاجرت
۴- هفت قلمرو بزرگ
۵- یتیمان

ترجمه: اخت اعتمادی

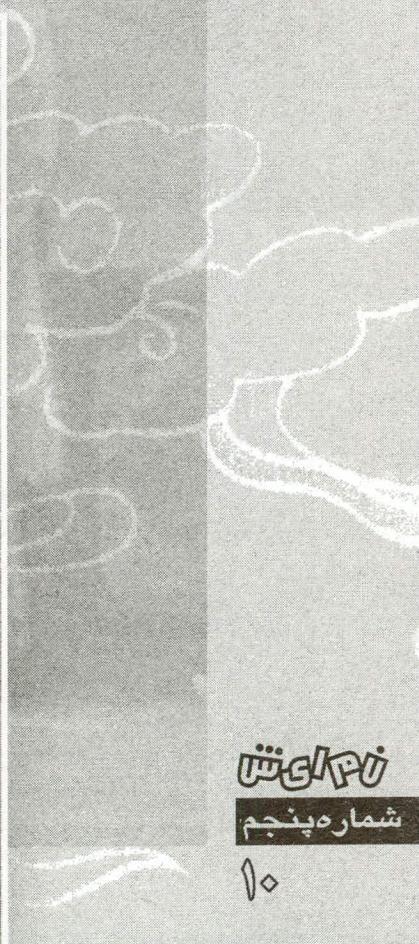
حمامه هلالیه به دوران خاص تاریخی باز می‌گردد. این حمامه در قرن یازدهم شکفتنه است. داستان این حمامه اساساً درباره مهاجرت قبایل چادرنشین بنی هلال، زوگی، ریاح و درید است. این قبایل صحرای نجد عربستان را ترک کردند تا به سمت فاطمی مصر بروند. آنها ناگزیر از مهاجرت شدند زیرا مراتعی که خشک شده بودند و چاههایی که بعد از سال‌های خشکسالی و تشنجی دیگر آبی نداشتند، آنها را ترنسانده بود. این مهاجرت زمانی اتفاق افتاد که توپس را «افریقا» می‌نامیدند و این مهاجران در کشمکش با خلفای فاطمی در قاهره بودند که حامی و پشتیبان خلفای عباسی بغداد بودند. این مهاجرت واکنشی نسبت به



《漢收大賜》

ایرانی چینی

حاش نماین اس



«十八

بر و افسانه ها



نمایشی از جنگ بوسنی ◀

مهدی رمضانی

گروههایی که فعال هستند. کار هم جمع می‌شوند و باجرای کارهایشان، یک فضای رقابتی را ایجاد می‌کنند. این خوب است ولی شکل برخورد تئاتری‌ها و نیز متولیان تئاتر بالاً مهم است که باید هوشمندانه‌تر از این باشد. در مورد تئاتر کشورمان باید به این نکته اشاره کرد که در این چند سال اخیر، حرکتها بی بود وجود آمده. حرکتها که قطعاً ایده‌آل نیست ولی طرز استفاده از آن می‌تواند راه و روزنه‌ای را در تئاترمان بوجود آورد که راه پیشرفت را بدنیال خواهد داشت.

ایا شما در شیوه کارگردانی این نمایش، روی مطلب خاصی تاکید داشته‌اید؟ مطلبی که سبب بدعت در نوع کارتان گردد؟

هاشم پور: همانطور که گفتم، چیزی در این متن برای من جالب بود که مرا به چالش و داشت. با توجه به اینکه نمایشنامه، چندان قوی نبود، هنگام شروع تمرینات به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توانیم روی متن به عنوان یک عامل کمکی، زیاد حساب کنیم. چرا که در جاهایی هم به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کرد. برای شکل اجرایی مورد نظر گروه. به هر صورت ما به یک شکل اجرایی مجزاً از آنچه که متن به ما پیشنهاد داده بود، رسیدیم.

هم تجربه جنگ دارید، فکر می‌کنم که برای شما متن جذابی باشد متن را آوردم تابیینم بعد از ترجمه، آیا آنرا می‌پسندم یا نه. پس از ترجمه، دریافتمن که خود نمایشنامه، زیاد قدرتمند نیست ولی چیزهایی در آن وجود داشت، از جمله موقعیتی که برای این زن پیش آمده بود و همچنین، برخورد نکردن شعاری این آدم با ماجراجوی جنگ و برخورد انسانی با مقوله جنگ. اینها عوامل جذاب این متن بود که مرا به سمت خود کشاند.

از گروهتان بگوئید.

من خودم عضو گروه تئاتر معاصر هستم، منتهای این در این کار، خود بچه‌های گروه معاصر به شکل مشخص حضور ندارند. اما کوشیدم از دوستانی که می‌شناختشان استفاده کنم. با خانم دامغانی از پیش آشنا بودم. ایشان دو نقش بازی می‌کنند که در متن اصلی نبود و ما آنرا خلق کردیم

از زیبایی شما از جشنواره فجر چیست؟ و چه تأثیری می‌تواند بر تئاترمان بگذارد؟

هاشم پور: جشنواره فجر و در کل، خود جشنواره فرصتی است برای شرکت



گفتگو با نرگس هاشم پور
کارگردان نمایش ماریای بی‌نام

لطفاً کمی در مورد مضمون این نمایش صحبت کنید.

هاشم پور: نمایش راجع به جنگ بوسنی است و اتفاقاتی که برای یک زن به نام ماریا در این جنگ رخ می‌دهد می‌باشد. او در حال حاضر در یک بیمارستان روانی بستری است و تحت معالجه قرار دارد. قصه در این بیمارستان می‌گذرد و یادآور خاطرات این زن در زندگی خویش است. درگیری این آدم با این فضا و وجود بچه‌ای که در واقع ثمرة این جنگ است.

علت روی اوردن شما به این نمایشنامه چه بوده است؟

هاشم پور: من در سفری که به آلمان داشتم با نویسنده این نمایشنامه یعنی خانم «لیدیا اسکومان هوداک» آشنا شدم و طی صحبت‌هایمان به من گفت که چون شما



نمایش
شماره پنجم

معرفی

گروه‌های خیابانی

جومنجی ۷۹

همدان

گروه ماد

نویسنده و کارگردان: سعید باغبانی

بازیگران: اردشیر ثریائی، حسن جلیلی،

سعید باغبانی، مصطفی بیگی

دستیار کارگردان: میریم قانوری

مدیر صحنه: مصطفی بیگی

آهنگساز: زینب رنجبر، رضا عباسی

خلاصه نمایش: شخصی برای فروش

جبهه‌ای که ادعا دارد جبهه جادوست تبلیغ

می‌کند ولی کسی آن را نمی‌خورد او برای

فروش می‌گوید که پولی هم‌می‌دهد در این

هنگام نفر دوم وارد معزکه شده تا جبهه را

بخرد و...

Doomanji 79

Hamedan

Maad Group

Writer & Director: Saeed

Baghbani

Actors: Ardesir Soraiaie,

Hassan Jalili, Saeed

Baghbanie, Mostafa Beigi

Assistant Director:

Maryam Ghopanoori

Set Manager: Mostafa

Beigi

Music: Zeinab Ranjbar,

Reza Abbassi

عروس باران

فارسانی

گروه تاراز

نویسنده و کارگردان: مسعود آگشته

فارسانی

بازیگران: علی اسدی، مهدی حیدری،

علیرضا فاضلی، شهرام امیریان، شهریار

فاضلی، ابراهیم محمودی، غلامعلی اسدی،

مهرداد حیدری، منصور آگشته، شجاعت

مردی، مهدی حیدری، یاسرالله بخشیان

دستیار کارگردان: محسن سلیمانی

آهنگساز: پیمان بزرگنیا، حمید حسینی،

زین‌العابدین حسینی

خلاصه نمایش: کوچ ایل‌نشینان با صدای

ترنا آغاز می‌گردد و مردم گرفتار خشکسالی

می‌شوند پس برای نجات ایل تلاش

می‌کنند و آثین‌های چون هل‌هل گرگ

چنبری و دعای باران را به اجرا در می‌آورند.

۹۰

First Session For Free Group: Ava

Writer: Mehdi Mehdion

Director: Farzaneh

Arastoo

Actor: Sami Ezatie

Costume Design:

Farzaneh Arastoo

Assistant Director:

Babak Behdad

Set Manager:Majid

Rahbar

تلفن همگانی
گروه اندیشه

نویسنده و کارگردان: رضا امامی

بازیگران: مهدی ابراهیمی، رضا امامی

دستیار کارگردان: اکبر کاظمی

مدیر صحنه: حسین تفنگدار

طراح دکور و لباس: رضا امامی

خلاصه نمایش: جوانی که بسیار

علاقه‌مند به کار تئاتر است و از همه جا

وامانده است و در معاش خانواده نیز در تنگنا

است به گوشه خیابان و یک تلفن همگانی

دل می‌بند و به نظر می‌رسد این بار به یک

تئاتر خیابانی پناه آورده است.

Public phone

Andisheh Group

Writer & Director:Reza

Emami

Actors: Mehdi Ebrahimi,

Reza Emami

Assistant Director: Akbar Kazemi

Set Manager: Hossein

Tofangdar

How I learn...

Writer & Director: Mojgan

Rezaian

Actor: Ali Pakzad

Set Design: Mojgan

Rezaian

Costume Design: Ali

Pakzad

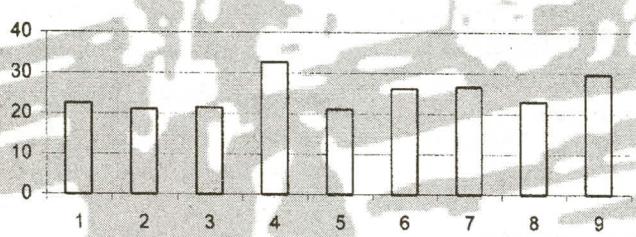
جلسه اول رایگان

دفتر طرح و برنامه مرکز هنرهای نمایشی

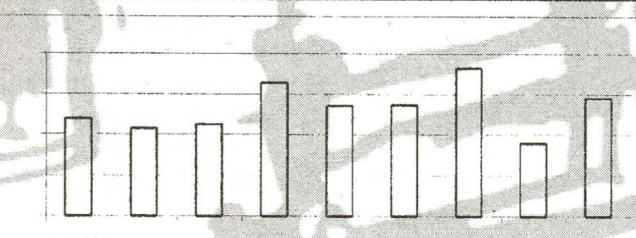
نتایج آماری آرای تماشاگران

درباره‌ی نمایش‌های اجرا شده در روز سه شنبه ۴ بهمن ماه

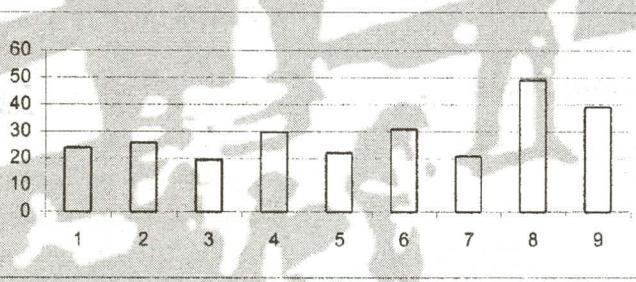
متن (نمایش نامه)



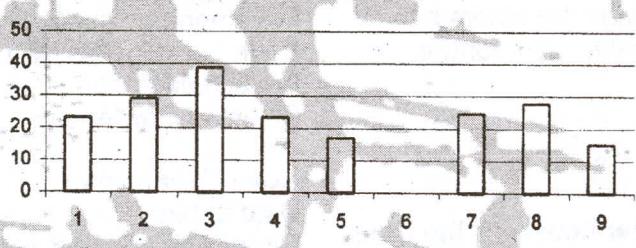
کارگردانی



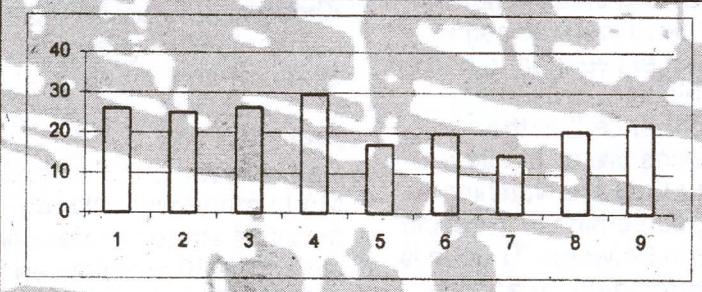
بازیگر نقش اول مرد



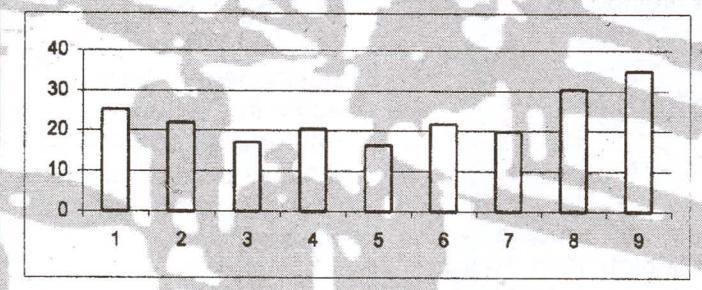
بازیگر نقش اول زن



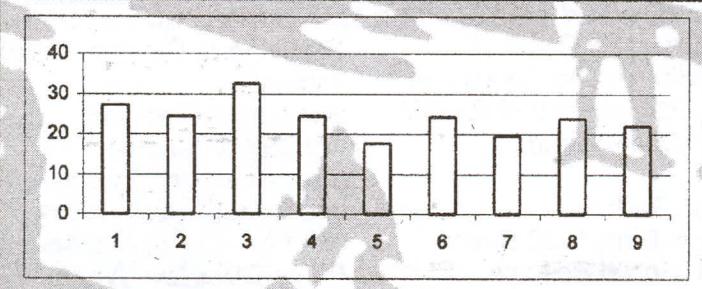
طراحی صحنه



موسیقی



مجموع آرا (بعلوه‌ی طراحی لباس، نورپردازی، گرم و بازیگران مکمل)



Assistant director: A.
Yazerloo
Set design: M. Riazi

Synopsis:
 "Nasooh" who has been working in the women's Turkish bath for six years, meets a Dervish who reveals Nasooh's secret to him. Nasooh himself isn't aware that he's a man. Nasooh comes with the Dervish to Aiyaran place. The Dervish leads him and he takes a new role. The group of Aiyaran arrive and we find out that now he is a member of Aiyaran.

Death Of YazdGerd Anzali

Writer: B. Beizaie
Director: V. Farzi

Actors:

A. Kohanghanbarian,
Z. Ghadami, H. Yoosefrad,
Sh. Aghamohammadi, Sh.
Madadi, M. Mahboobashari,
A.P. Bakhshian

Set & Costume Design:

R. Barghi

Light: A. KohanGhanbarian

Make-up: M. Yoosefrad

Synopsis:

Yazdgerd escapes to Marve but the miller in the hopes for Gold and silver kills him.

Garden of Dreams

Writer: P. Bashardoost

Director: A.A. Rasekh Rad

Actors: A. Mazidi, S.M. Fakhr Moosavi

Set Design: S.Z. Arabshahi

Costume Design: A. Salimi

Music: A. Arjomandi,

R. Salimi

Synopsis:

Two imaginary people in an imaginary place with imaginary games show the ups and downs of life. The

same happenings in all lives but with a different way of looking. Life has two faces in the play, one face interesting and funny the others bitter that makes you ponder....

Interview

An interview with the Sima Tir Andaz the director of Hotel Aroos

It's the story of two women who go to a far city for work and the harsh treatment of their boss leads to some incidents. I've tried to use a technique in my performance that the audiences are all the time aware they are watching a play, something like leaving gaps in between. Theatre is an extraordinary art and we are always dealing with a special class of people, and therefore we should all the time, when performing, keep that in mind.

Introducing the Juries

Hamid Samandrian

Date of birth: 1931 Tehran.
BA in Conservator Music and Dramatic Arts from Hamburg. (Directing and Performing) Director, Translator and Professor
plays directed: Marriage of Mr Mississippi, Play Steindberg, The Caucasian Chalk Circle, Visit of the Old Lady, Seagull and...

Akbar Radi

Date of Birth 1939 Rasht.
MS in Social Science.
Playwright and Professor

Plays: Blue Rift, Fishermen, Glamorous Smile, Mr. Gill, Redemeer In Wet Morning, The Night On Wet Pavement, Leisurely with Red Rose, Sing In The Mist, Amizghalamdoon, The Shinning Garden and...

Roya Teimourian

Date of birth 1959 Tehran.
BA in Directing and Acting from Fine Arts faculty.
Actress, Teach at University
Plays acted in: Blood wedding (Dr Ali Rafiee), King Oedipus (Roknedin Khossravi), Shams (Amir dejakan), Hara (Nasolah Ghaderi) and...

Amin Tarokh

Date of birth: 1953 Shiraz.
MA in managing cultural activities started professional work in 1970 in Shiraz and acting in Tehran in 1972.
Plays acted in: Othello, Lorenzaciou, Elektra, Death of YazdGard, The Poet.
Acted in films: Death of YazdGerd, Suitcase, Autumn, Mother, Delshodegan, Sara, Acted in TV Serials, Sarbedaran and Abu Ali Sina. At present teaches at Azad Workshop (drama classes)

Saeed Kashan Fallah

Date of birth 1959.
MA in Acting.
Member of teaching committee of Tarbiat Moddarress University and Teaching at Cinema Theatre Faculty.
Member of Planning Children's Theatre Committee (Institute for Intelecual Development of Children and Young Adults).
Plays Directed: Whats love, The Death of Eve

Introducing Iranian Plays

The Spell Of Burned Temple

Writer: N. Samini
Director: K. Moradi
Actors: A. Saatchian, N. Abedi, P. Dehkordi
Set design: P. Forotan
Costume design: A.S. Arabshai

Synopsis

This is a story about an ascetic woman in a temple. One of these nights, two strange guests come to the temple... after some events, In three episodes we review the story from their point of view.

Khale Odiseh

Writer: N. Samini
Director: B. Tavasoli
Actors: Sh. Boloorian, B. Javdanfar, M. Rahimi, F. Arasto, S. Tavakoli, F. Joghatai, N. Motevalian, M. Rashidzade, F. Fodazi, M. Fooladian
Assistant director: M.R.M.

NAMAYESH

The 19th International Fajr Theatre Festival

No.5

Editor-in-chief:
Lale Taghian
Graphic Designer:
Anoushiravan Mirzaei
Translators:
Akhtar Etemadi
Ava serjoei
Photographer:
Fattane Dadkhah
Computer Graphist:
Kianoosh Ramezani
Type-setting:
Farzane Sarmadi
Parviz Mirzahosseini

Vaziri, S. Riazi

Set & costume design: S. Riazi

Light: R. Khazrai

Music: N.N. Khamene, Sh. Nejati

Synopsis:

Auntie Beetle, sad and shy, is looking for a husband. She comes to Bazar. The witch introduces her to the butcher, grocer and fortuneteller but Auntie Beetle doesn't like them. At the end she comes back home, because she prefers her favorite mouse to the mythical loves.

Hotel Aroos

Writer: Ch. Yasrebi
Director: S. Tirandaz
Actors: K. Dirbaz, Sh. Moghadami, M. Mahjor, A. Badrtalei
Set & costume design: S. Sinaei
Music: A. Aziminejad

Synopsis

Two women come to a hotel with their boss. Their boss starts a quarrel over choosing a room... and then...

Seven Manners

Writer and director: H. Hedayat

Actors: S. Nikpour, S. Salimi, M. Lashkari, K. Hajirazad, F. Motekhases, A. Beegham, A. Mehrabi, M. Emambakhsh, V. Razaghi, B. Hazari, M. Senaati

Assistant director: V. Razaghi

Set design: N. Kamakari

Costume design: E. Zeynalian

Music: H. Mohajer

Synopsis

Prince Bivar was a cruel sovereign. People protested against him, their leader is Ajir. Aran Argham Banoo

and Abdol are other commanders, who help Ajir to attack the palace.

Prince Bivar flees the palace, but Farkhonde Khatoon the queen remains at the palace with Porash Mahpour and they get arrested. Ajir gets injured in the battle field and his daughter Mehrdokht takes care of him. Ramyar and Yavar join the other commanders but Ajir dies. The commanders have many disagreements. Ashkil also has a claim over the throne. A review of the story will show the depth of the tragedy.

The Shinning Garden

Writer: A. Radi
Director: H. Marzban
Actors: I. Rad, F. Kaboli, A. Ramez, Sh. Soltani, M. Sabaghi, A. Shadravan, J. Farjad, S. Taghizade, D. Fatalibeygi, A. Darvishnejad, A. Tofighi, A. Shamkhani, M. Ghobezarin, D. Ghanbari, S. Palangi, A. Jafari, A. Noulahi, L. Bahrampour, A. Mirhouseini, H. Golparvar, M. Fajad, A. Mazhari, H. Shiri, N. Samar, A. Davodi, M. Ebadati, and 20 students.
Assistant director: S. Salimi

Set design: M. Mirfakhari
Music: Sh. Soltani

Synopsis

It's about Naseredin shah and his relationship with the courtiers, women and others.

Tobe Nasooh

Writer & director: A.R.N. Najafabadi
Actors: M. Soltani, H. Ahmadkhani, M. Parvin, M. Alipour, S. Hosinian, S. Rafiepour, N. Rafie, R.M. Tehrani

نوروز هفتمین

جشنواره بین المللی تئاتر فجر

تهران - ۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۷۹

THE 19th INTERNATIONAL
FADIR THEATRE FESTIVAL
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001